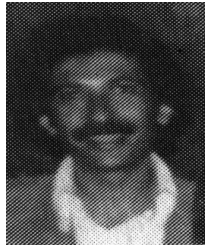


دلاوران رزمنده خلق



یادی از رفیق داکتر هادی

داکتر هادی در بین سالهای 1320 و 1321 در شهر باستانی هرات در یک خانواده فقیر شهری بدنیآ آمد. مشارالیه دوران تحصیلات ابتدائی را همراه با رنج و فقر زندگی بپایان رسانید. بعد از سپری نمودن دوره ابتدائی برای ادامه تحصیل شامل لیسه جامی هرات گردید. اولین نطفه جنبش محصلی در هرات با نام رفیق هادی و رفقای هم‌رزمش گره خورده است. در اوج جنبش‌های توده‌ای و روشنفکری محصلی سالهای (1347-1351) در شهر هرات هادی برای همه چهره مبارزو آشنا بود. وی از جمله رفقای نزدیک رفیق صارم بود. رفیق هادی در تشکل محافل مطالعاتی، تبلیغ، ترویج و سازماندهی و مبارزه برضد رژیم آن وقت از چهره‌های فعال جنبش مترقی آن زمان بود. رویونیستهای وطن فروش باندهای خلق و پرچم

از رفیق هادی و یاران هم‌رزمش کینه عمیقی در دل داشتند. چراکه رفیق هادی با جدیت تمام به افشای چهره های مزورانه و کثیف این دشمنان سوگند خورده خلق می‌پرداخت و لحظه ای آرام نمی‌نشست. رفیق هادی بعد از فراغت دوره لیسه برای ادامه تحصیلات عالی شامل فاکولته طب پوهنتون کابل شد. پایان دوران تحصیل وی مصادف با کودتای شوم و ننگین 7 ثور باندهای آدمکش و جنایت کار خلق و پرچم و باداران سوسیال امپریالیستی شان می‌باشد. بعد از کودتای ننگین 7 ثور فضای خفقان، رعب، کشتار و شکنجه در تمامی عرصه های سیاسی و اجتماعی کشور توسط باندهای خلق و پرچم گسترانیده شد. این دست پروردگان و خادمان سوسیال امپریالیزم و ارتجاع هزاران انقلابی، وطن پرست و مبارز راه آزادی میهن و مردم را دستگیر نمودند که رفیق داکتر هادی هم یکی از آن جمله می‌باشد. رفیق هادی در جریان دستگیری مانند هزاران انقلابی دیگر مورد سب‌عانه ترین نوع شکنجه های غیرانسانی، بد رفتاری و لت و کوب قرار گرفت و سر انجام بدست دژخیمان وطن فروش خلق و پرچم تیر باران شد و به جاودانگی پیوست.

رفیق هادی با سر بلندی و مقاومت دلاورانه از میان مارفت اما داغ ننگ جنایت و آدمکشی و وطن فروشی بر جبین کثیف باندهای وطن فروشان خلقی و پرچمی تا ابد باقی است. تاریخ مبارزات انقلابی کشور ما مشحون و سرشار از قهرمانیها و جانفشانی های دلاوران رز منده خلق است که در مقاطع مشخص و معین تاریخ دین وطن پرستی، مقاومت و بشردوستی خویش را ادا نموده اند. اما وای بر حال وطن فروشان و جاسوسان خلقی- پرچمی و سایر مزدوران امپریالیسم که دایم

مورد لعنت خلق و تاریخ قرار میگیرند. دفاع از دلاوران رز منده خلق یک امر تشریفاتی و مذهبی نیست بلکه بخاطر آنست که باید آرمان شهدای انقلابی کشور را بسر برسائیم با دوستان شان متحد شویم و بر ضد دشمنان شان مبارزه جدی و پیگیرانه نمائیم. باید خورده گیری و گروه گرائی را که لطمه جدی بر پیکر جنبش انقلابی کشور ما وارد نموده است، از خود دور نمائیم و با سلاح انتقاد و انتقاد از خود در اصلاح خود کوشیده و با آموزش علم انقلاب و بر مبنای اصول انقلابی همه با هم یکجاشده و حزب واحد طبقه کارگر افغانستان را ایجاد نمائیم. تحت رهبری این حزب انقلابی است که توده های مردم میتوانند مانند سیل خروشان امپریالیستهای اشغالگر و نوکران بومی آنها را مثل خس و خاشاک از دامن مادر وطن پاک نموده و یک دولت مترقی و مردمی را در کشور خویش ایجاد نمایند.

فوران

2009-9-28

در این نبشته از نشریه 23 ثور شماره 36 سال 1362 استفاده شده است.